مضامین زیارت اربعین[[1]](#footnote-1)

در حدیث معروف امام حسن عسکری(ع) «زیارت اربعین»، یکی از پنج علامت مؤمن شمرده شده است؛ چه بر سر تربت و مزار سیدالشهدا(ع) خوانده شود و چه از راه دور؛ بنابر آنچه به دست ما رسیده است مهم، توجه به مفاهیم مطرح شده در این زیارت است. پیش از پرداختن به مضامین بلند این زیارت شریف، لازم است اشاره ای به سند آن کنیم.

متن زیارت اربعین را حضرت صادق(ع) به صفوان بن مهران (معروف به صفوان جمّال) آموخته است و فرموده که این زیارتنامه را هنگامی که آفتاب روز اربعین برآمد و روز بلند شد، بخواند. این توصیه، اهمیّت این زیارت مأثور را می رساند.

حدیث را سید بن طاووس با سند خویش از صفوان روایت می کند. متن زیارت، در «اقبال الاعمال» سید بن طاووس، «المزار الکبیر» محمد بن جعفر مشهدی، «المصباح» کفعمی و «مصباح المتهجد» شیخ طوسی آمده است. علامه مجلسی هم در جلد 98 بحارالانوار، به نقل از تهذیب شیخ طوسی آن را نقل کرده است. گرچه در بعضی کلمات، تفاوت های جزئی میان نقل ها دیده می شود، ولی کلیت آن ثابت و یکسان و معتبر می باشد.[[2]](#footnote-2)

بنابراین شایسته است که در متن و محتوای «زیارت اربعین»، دقت و تدبّر شود، تا زائران و محبان سیدالشهدا(ع) از معارف ناب و مفاهیم بلند آن مستفیض شوند. محورهای عمده این زیارتنامه را می توان چنین برشمرد:

1. ترسیم سیمای امام حسین(ع)

زیارت اربعین، همچون بسیاری از زیارتنامه های دیگر با «سلام» آغاز می شود که نشانه تولاّی شیعی نسبت به اولیای دین است و مخاطب این سلام، با اوصاف و القابی یاد می شود که هر کدام، بُعدی از ابعاد شخصیت سیدالشهدا را نشان می دهد. از آن حضرت، با عناوینی همچون ولیّ خدا، حبیب خدا، خلیل خدا، برگزیده خدا، شهید مظلوم، گرفتار رنج ها و مصیبت ها و کشته اشک ها یاد می شود: «... السلام علی اسیر الکُرُبات و قتیل العَبَرات. ..».

پس از بیان این اوصاف و مقامات، زائر در پیشگاه خدا شهادت می دهد که آن امام شهید، ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا و صفی پروردگار و فرزند صفیّ خداست، تا این گواهی، عمق ایمان و باور زائر را نشان دهد و این اعتقادات را در جان او بنشاند.

1. ویژگی های امام حسین(ع)

در فراز بعد، به برخی از اوصاف ویژه و کرامت ها و ارجمندی های آن امام شهید اشاره شده است. از جمله این که:

آن حضرت، به کرامت الهی در سایه شهادت، نائل آمده است؛

آن حضرت، از سعادت ویژه ای که عنایت الهی است برخوردار است؛

طینت و سرشت او و ولادتش، پاک و پاکیزه و دور از هر آلودگی است؛

او یکی از سروران و یکی از رهبران و یکی از مدافعان حق و دین است؛

او، میراث دار خط انبیا و حجّت الهی بر همه بندگان خداست.

1. فلسفه قیام عاشورا

درباره نهضت عاشورا تحلیل های گوناگونی ارائه می شود و اهداف مختلفی برای آن قیام خونین بیان شده است. آنچه در این زیارتنامه مطرح است، «هدف هدایت و نجات و بیداری امّت» است. آن حضرت در دعوت مردم به راه خدا و سنّت پیامبر و احکام قرآن چنان عمل کرد که راه عذر و بهانه را بر همه بست و اتمام حجّت نمود: «فَاَعْذَرَ فی الدُّعآءِ، وَمَنَحَ النُّصْحَ».

گاهی بیدرای جامعه و شکستن جوّ خفقان و مبارزه با بدعت ها و انحراف ها، «خون» می طلبد. امام، خون قلب خویش را در راه خدا نثار کرد: «وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فیک»، با این هدف که مردم را از جهالت و گمراهی درآورد و فضای حیرت و سرگشتگی را بشکند و تکلیف بندگان خدا را روشن کند: «لِیسْتَنْقِذَ عِبادَک مِنَ الْجَهالَةِ وَحَیرَةِ الضَّلالَةِ». درباره عبرت های عاشورا و جهل و بی بصیرتی مردم بسیار سخن می توان گفت. وضع جامعه به گونه ای شده بود که تنها خون مطهّر فرزند رسول خدا(ص) می توانست انقلابی ایجاد کند و زلزله ای در ارکانِ حکومت اموی که بر پایه جهل مردم استوار بود، بیافکند.

1. شناخت چهره مخالفان

چه کسانی، با چه ویژگی هایی و با چه اهدافی به جنگ با امام حسین(ع) آمدند و دست به آن جنایت عظیم زدند؟ هدفشان چه بود که جز با کشتن ثارالله به آن نمی رسیدند؟ در فراز بعدی، ویژگی های گروه های ائتلافی بر ضدّ ولیّ خدا را ـ که در حقیقت بروز بغض و کینه های دیرین شان از صدر اسلام بود ـ ترسیم می کند:

ـ فریب خوردگان دنیا: «غَرَّتْهُ الدُّنْیا»؛

ـ فروختن آخرت به بهای ناچیز دنیا: «وَشَری آخِرَتَهُ»؛

ـ هواپرستی: «وَتَرَدّی فی هَواهُ»؛

ـ به خشم آوردن خدا و پیامبر و امام؛

ـ پیروی از منافقان و تفرقه افکنان و گنه کاران.

1. جهاد تا شهادت

جهاد در راه خدا، همراه با صبر بر ادای تکلیف و اخلاص در مبارزه و ادامه جهاد تا مرز شهادت و حتّی پس از شهادت، یعنی اسارتِ آزادی بخش آل الله، تضمین کننده حیات و بقای دین و خنثی کننده توطئه امویان ضد اسلام بود: «فَجاهَدَهُمْ فیک صابِراً مُحْتَسِباً، حَتّی سُفِک فی طاعَتِک دَمُهُ، وَاسْتُبیحَ حَریمُهُ».

احیای دین و مبارزه با بدعت های ضد اسلامی، قربانی و فدایی می خواهد. آن که گام در این راه می نهد، هم باید اهل جهاد باشد، هم صبر و مقاومت، هم اخلاص، هم آمادگی برای فدا کردن خون و تحمّل هتک حرمت ها نسبت به خودش و خانواده اش. امام، عزیز خدا و رسول خدا(ص) بود، امّا در صحرایی سوزان به محاصره آن نامردان گرفتار شد. تشنگی خود و فرزندان و یارانش، عریان کردن پیکر پاکش، بریدن سرش، بر نیزه کردن سر مطهرش، آتش زدن خیمه ها، اسب تاختن بر جسد مطهّرش، غارت خیام، به اسیری گرفتن اهل بیت(ع) و..... همه در راه خدا بود و آن حضرت، با گفتن «الهی رضیً بقضائک» خود را برای همه این مصائب آماده ساخته بود.

1. لعن و تبرّی از دشمنان

در بسیاری از زیارتنامه ها، در کنار سلام به عنوان موالات و همسویی، «لعن» دشمنان هم دیده می شود که نشانه تبرّی از ظالمان و دشمنان اهل بیت(ع) است. هم لعن زائر بر قاتلان و کافران و هم درخواست لعن الهی بر آنان که نمونه اش در این زیارت وارد شده است: «اَللّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبیلاً».

درخواست لعنت و عذاب خدا بر جنایتکاران عاشورا، روح معادات و تبرّی را می رساند و زائر را در خطّ دشمنی با دشمنان خدا و پیامبر، ثابت قدم تر می سازد.

1. پیوند امام با خطّ رسالت

وقتی در زیارت امام حسین(ع)، پیامبر و امیر مؤمنان و خاندان نبوت و عصمت را می خوانیم، تأکیدی بر ارتباط آن شهید با این خاندان رفیع و نورانی است. در زیارت دیگر نیز چنین است که بر امام حسین(ع) به عنوان فرزند پیامبر(ص)، فرزند فاطمه(س)، فرزند امیر مؤمنان(ع)، وارث انبیا(ع)، امین خدا، فرزند امین خدا، فرزند وصیّ خدا، فرزند وصیّ پیامبر(ع) سلام می دهیم تا این پیوند را آشکار و علنی سازیم و این نکته، خنثی کننده توطئه دشمنان است که می کوشند شهدای کربلا را جدا از دودمان نبوّت و آل الله معرّفی کنند.

1. حیات سعادتمندانه

از سخنان امام حسین(ع) است که فرمود: «موتٌ فی عزٍّ خیراً من حیاةٍ فی ذلّ»؛ مرگ عزتمندانه بهتر از زندگی ذلیلانه است.

در فراز دیگری از زیارت، از آن امام شهید به عنوان کسی یاد می شود که زندگی اش سعادتمندانه «عِشتَ سَعیدا» و مرگش ستوده و خدا پسند «مَضیْتَ حمیداً» و شهادتش مظلومانه «مظلوماً شهیداً» بود.

خداوند هم وعده نصرت و عزت و حیات ابدی به کشتگان راه خدا و مجاهدان راه حق و هم وعده نابودی مستکبران و کیفر ظالمان را داده است؛ چه به سرعت و چه در زمانی طولانی؛ چه در دنیا و چه در آخرت. این است که زائر، بر حتمی بودن وعده های الهی در این موارد تأکید می کند: «وَاَشْهَدُ اَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ ما وَعَدَک، وَمُهْلِک مَنْ خَذَلَک».

1. بیزاری از همفکران اهل ظلم

در فرهنگ دینی، هم جنایتکاران و ظالمان مطرود و ملعونند و هم کسانی که هرچند در ظاهر ساکت بوده اند و با جنایتکاران همکاری نداشته اند، ولی در دل و باطن به کار آنان راضی بوده اند، شریک جرم اند. این حقیقت، در زیارت های متعددی (از جمله زیارت عاشورا) آمده است. در این جا هم لعنت خدا بر کسانی است که امام را کشتند و به او ظلم کردند و بر جماعتی است که این واقعه را شنیدند، ولی به آن راضی و خشنود بودند. ساکتان در برابر فتنه و رضایت دهندگان قلبی به عمل دشمنان خدا و رسول، با آنان همسو و هم سرنوشت شمرده می شوند: «وَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِک فَرَضِیتْ بِهِ».

از این رو، شیعه زائر، موضع خود را شفاف و روشن بیان می کند و خود را در خطّ اولیای خدا و در مقابل دشمنان خدا و اهل بیت(ع) اعلام می دارد و خدا را هم بر این موالات و معادات، گواه می گیرد: «اَللّهُمَّ اِنّی اُشْهِدُک اَنّی وَلِی لِمَنْ والاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُ».

و سرانجام این پیروی از خاندان عصمت و ولایت پذیری از آنان، آمادگی برای بذل جان خود و پدر و مادر و عزیزانش در راه آنان است: «بِاَبی اَنْتَ وَاُمّی یا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ».

10- باز هم تأکید بر دودمان پاک

« اَشْهَدُ اَنَّک کنْتَ نُوراً فی الْأَصْلابِ الشَّامِخَةِ»

این فراز، گواهی بر دودمان پاک پیامبر(ص)، طهارت و شرافت نسبت اهل بیت(ع)، دوری از آلودگی های اعتقادی و اخلاقیِ دوران جاهلیّت است. آیه تطهیر در قرآن (احزاب/33) بر طهارت کامل و عصمت اهل بیت پیامبرگرامی خدا گواهی می دهد. بحث از نیاکان پاک و موحّد ائمّه اطهار(ع) و تبارشناسی توحیدی این خاندان، نکته دیگری است که در این زیارت بر آن تأکید شده است.

11- جایگاه والای امامت و ائمّه(ع)

نقشی که امامان شیعه، از جمله سیدالشهدا(ع) در جامعه اسلامی داشته اند، نقش هدایت، رعایت، اعانت و حفاظت از آیین و اهل ایمان بوده است. این خاندان، هم تکیه گاه مسلمانان، هم ستونِ اسلام و هم پناهگاه شیعه بودند. امام در این فقره از زیارت، یکی از دعائم دین، ارکان مسلمین و معقِل مؤمنین به شمار آمده و با اوصافی چون: بَرّ، تقیّ، رضیّ، زکیّ، هادی و مهدی معرفی شده است، که همه امامان چنین بوده اند؛ افزون بر این که امام حسین(ع) پدر بقیه امامان بعدی است. این از ویژگی های آن حضرت در روایات بیان شده که ائمه، از نسل اویند. این ویژگی ها، به خصوص حجّت بودنشان «والحجّة علی اهل الدّنیا» جایگاه رفیع آنان را در منظومه فکری و عملی و اجتماعی و سیاسی امت پیامبر (ص)نشان می دهد و تبعیت از این نشانه های هدایت را ضامن درستی راه و رسیدن به مقصد می داند.

12-ایمان، تسلیم، تبعیّت

این سه عنصر، عوامل اصلی هدایت و سعادت در خطّ ائمه(ع) است. ما شیعیان، به امامت آنان ایمان داریم «مؤمن بکم» و رجعت آنان در آخرالزّمان را باور کرده ایم «وَبِاِیابِکمْ مُوقِنٌ» و با همه آیین ها و سنت های دینی آن را ابراز می کنیم و تسلیم و محض و تبعیت کامل نسبت به آنان داریم؛ چه در مرحله قلبی، چه در مرحله عملی: «وَقَلْبی لِقَلْبِکمْ سِلْمٌ، وَاَمْری لِأَمْرِکمْ مُتَّبِعٌ». این ایمان و تسلیم و تبعیّت، عنصر دیگری را می طلبد به نام «نصرت». همان گونه که یاران امام حسین(ع) در کربلا به او ایمان داشتند و تسلیم فرمان و تابع حرکت امام بودند و با همه توان از آن حضرت دفاع کردند تا به فیض شهادت رسیدند، زائر حسینی در اربعین هم، همین مراتب و مراحل را ابراز می دارد و همه توان و امکانات خویش را در راه ائمه(ع) قرار می دهد، تا خداوند اذن دهد و دولت کریمه اهل بیت، با رهبری حضرت ولیّ عصر(عج) شکل گیرد: «وَنُصْرَتی لَکمْ مُعَدَّةٌ، حَتّی یاْذَنَ اللَّهُ لَکمْ».

این که امروز یاری ما به این خاندان چگونه می تواند باشد، جای تأمل و سخن بسیار دارد. کدام عمل، در راستای مواضع ائمّه به شمار می آید؟ امکانات قابل عرضه ما برای «نصرت» چیست؟

13-اعلام مَواضع

در زیارت جامعه کبیره، زیارت عاشورا و زیارت های دیگر، از جمله در همین زیارت اربعین، این تعبیر دیده می شود: «فَمَعَکمْ مَعَکمْ لامَعَ عَدُوِّکمْ»؛ این یعنی داشتن موضع، اعلام موضع، پایداری بر سر موضع، همسو نشدن با دشمنان و حمایت از خطّ ائمّه(ع).

این «معیّت» و همراهی با أئمّه چگونه است؟ اگر امامان در عصر ما حضور داشتند، در جناح بندی های سیاسی در کدام جهت بودند؟ در مسائل بین المللی چه موضعی داشتند؟ با استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل و گروه های تکفیری و حکومت های مزدور بیگانه و حاکمان وابسته به استکبار چه برخوردی داشتند و نسبت به مسائلی همچون فلسطین چه موضعی می گرفتند؟ شناخت ما از ائمّه، موضع آنان را به ما نشان می دهد.

خطّ ائمّه، امروز نیز جلوه ها و نمادهایی دارد؛ همچنان که خطّ دشمنانشان نیز، در اشکال گوناگون ظهور و بروز دارد. این فراز زیارت، باز هم تأکیدی بر تولّی و تبرّی است.

14- درود پایانی

پایان بخش زیارت، این فراز است: «صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیکمْ، وَعلی اَرْواحِکمْ وَاَجْسادِکمْ، وَشاهِدِکمْ وَغآئِبِکمْ، وَظاهِرِکمْ وَباطِنِکمْ، آمینَ رَبَ الْعالَمینَ».

در این فراز، اوّلاً در احترام و بزرگداشت آنان، «صلوات خدا» را بر آنان خواستار شده ایم، که برتر از درودهای ما بندگان است. ثانیاً درودهای الهی را نسبت به همه آنان و همه جوانب حیاتشان خواستار شده ایم؛ چه بر روح و جانشان، چه بر پیکرهای مطهرشان، چه بر آنان که هستند یا نیستند، چه ظاهر و چه باطن، که شامل امامان معصوم شهید(ع) نیز می شود که آمده اند و رفته اند، هم بر امام عصر(عج) که هم «ظاهر» است (هرچند از دید ما غایب است) و هم «شاهد» است. (هرچند ما او را نمی بینیم).

نتیجه گیری

زیارت اربعین، نوعی «تجدید میثاق» با امام حسین(ع) و اهل بیت و امامان معصوم(ع) است. ابراز وفاداری نسبت به آنان و راه و مرامشان، ابراز عداوت و برائت نسبت به قاتلان و دشمنان آنان، تولّی و تبرّی، اعلام آمادگی برای جان فشانی در راه مقدّس آنان، بیان مواضع و همبستگی با خطّ نورانی اهل بیت پیامبر(ع)، تبعیّت و تسلیم و نصرت، شناخت چهره های حق و باطل و رهبران «نور» و «نار» و مسئله جهاد و شهادت و خطّ ایثارگری در راه مکتب و عقیده، که دستاورد شناخت فلسفه عاشورا و قیام حسینی است.

این سرفصل ها در زیارت اربعین بازگویی می شود و زائر حسینی این باور ها را از دل بر زبان جاری می کند، تا زمینه رسوخ قلبی و نمود اجتماعی آن فراهم آید.

توفیق الهی نصیبمان باد تا در اربعین حسینی، آن امام شهید را با این زیارتنامه زیبا و پرمعنا که آموزه حضرت صادق(ع) به شیعه است، در کنار حرم باصفایش زیارت و عرض ادب کنیم؛ آمین.

1. . ج- سنابرق؛ <https://noo.rs/njeav> [↑](#footnote-ref-1)
2. . ر.ک: موسوعة زیارات المعصومین(ع)، مؤسّسة الامام الهادی، ج 3، ص 429 [↑](#footnote-ref-2)